

Analysis of the effects of handmade carpet production on the livelihood of rural households in Fasa County

Asma Mobasheri Shiri ¹, Sadegh Asghari Lafmejani ^{2*}

1- MA, Department of Geography, Faculty of Literature and Humanities, University of Zabol, Iran

2- Associate professor, Department of Geography, Faculty of Literature and Humanities, University of Zabol, Iran

(*Corresponding Author Email: Asghari2750@yahoo.com)

Abstract

Problem definition: At present, diversification of economic activities in rural areas has become more and more important. In the meantime, the handmade carpet industry, due to its long-standing link with the country's rural areas, should be considered as part of the rural non-farm economy in the form of a livelihood approach.

Purpose: The purpose of this study was to investigate the production situation and the effects of handmade carpet production on livelihoods of rural households in this county.

Methodology: This is a descriptive-analytical study. The statistical population of the study includes all carpet weaving households residing in the villages of Fasa county. In this study, to calculate the maximum number of sample households, based on the number of households living in the villages studied and using Cochran's formula, 372 sample households were calculated to complete the questionnaires, and finally household questionnaires were completed by random sampling with the help of active people in the production of handmade carpets. AHP model, statistical and spatial analysis, and Expert choice software, SPSS and ArcGIS were also used for data analysis.

Results: The research findings confirm that the production of handmade carpets with livestock activity or without livestock activities is the dominant livelihood in 26.6% of the households studied. Also, according to the results of study, in villages where the skill of weaving handmade carpets is traditional, the average livelihood level of households living in them is moderate or weak and lower than other villages active in handmade carpet production. The results of Kendall's test in examining the relationship between the amount of handmade carpet production and the level of livelihood of the studied households also show that these two variables are related to each other with a correlation coefficient of -0.106.

Innovation: In this study, the desirability level of livelihoods of households were determined and the distribution of villages has been considered separately from the average desirability of household livelihoods living in them.

Keywords: Handmade carpet production, Complementary effects, Household livelihoods, Rural areas, Fasa county.



تحلیل آثار تولید فرش دست‌باف بر معیشت خانوارهای روستایی شهرستان فسا

اسماء مباشری شیری^۱، صادق اصغری لقمجانی^{۲*}

۱- کارشناس ارشد، گروه جغرافیا، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه زابل، ایران

۲- دانشیار، گروه جغرافیا، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه زابل، ایران

چکیده

طرح مسئله: در حال حاضر تنوع‌بخشی به فعالیت‌های اقتصادی در مناطق روستایی بیش از پیش در کانون توجه قرار گرفته است؛ از این میان، صنعت فرش دست‌باف به علت داشتن پیوند دیرینه با مناطق روستایی کشور، باید به‌مثابه جزئی از اقتصاد غیرزراعی روستایی در قالب رویکرد معیشتی مدنظر قرار گیرد.

هدف: هدف پژوهش حاضر، بررسی وضعیت تولید فرش دست‌باف در روستاهای شهرستان فسا و آثار تولید آن بر معیشت خانوارهای روستایی این شهرستان است.

روش پژوهش: این پژوهش به روش توصیفی تحلیلی انجام شده است. جامعه آماری پژوهش شامل همه خانوارهای قالی‌باف ساکن در روستاهای شهرستان فسا است. در این پژوهش، با توجه به نبود هیچ‌گونه آمار پذیرفته در ارتباط با تعداد خانوارهای قالی‌باف، بر مبنای تعداد خانوارهای ساکن در روستاهای بررسی شده و با استفاده از فرمول کوکران، تعداد 273 خانوار به‌مثابه تعداد خانوارهای نمونه محاسبه شد. در نهایت پرسش‌نامه‌های خانوار با نمونه‌برداری تصادفی از بین خانوارهای فعال در تولید فرش دست‌باف تکمیل شد. برای تجزیه و تحلیل داده‌ها نیز از مدل AHP، تحلیل‌های آماری و فضایی و نرم‌افزارهای Expert choice، SPSS و ArcGIS استفاده شد.

نتایج: یافته‌های پژوهش مؤید آن است که تولید فرش دست‌باف به‌تنهایی یا همراه با دامداری، معیشت غالب ۲۶/۶ درصد از خانوارهای مدنظر را تشکیل می‌دهد؛ همچنین براساس نتایج پژوهش، در روستاهایی که مهارت بافت فرش دست‌باف ساکنان آنها به روش سنتی بوده، میانگین مطلوبیت معیشت خانوارها در سطح متوسط یا ضعیف و کمتر از سایر روستاهای فعال در زمینه تولید فرش دست‌باف است. نتایج آزمون کندال در بررسی ارتباط بین میزان تولید فرش دست‌باف با سطح مطلوبیت معیشت خانوارهای بررسی شده نیز نشان می‌دهد این دو متغیر با ضریب همبستگی ۰/۱۰۶- با یکدیگر در ارتباط اند.

نوآوری: در این پژوهش، سطح مطلوبیت معیشت خانوارهای بررسی شده تعیین شده و پراکنش روستاهای دارای فرش دست‌باف به تفکیک میانگین مطلوبیت معیشت خانوارهای ساکن در آنها مدنظر قرار گرفته است.

واژه‌های کلیدی: تولید فرش دست‌باف، آثار مکملی، معیشت خانوار، نواحی روستایی، شهرستان فسا

مقدمه

جمعیت زیادی از فقرای جهان در مناطق و بافت‌های روستایی کشورهای در حال توسعه زندگی می‌کنند (مهدوی و شمس‌الدینی، ۱۳۹۲: ۲۲)؛ بر این اساس در نیم‌قرن اخیر، رهیافت معیشت پایدار روستایی به‌طور بالقوه در کشورهای در حال توسعه برای کاهش فقر روستایی مورد توجه بوده است (فدایی و زاهدی، ۱۳۸۵: ۱۴؛ رومیانی و همکاران، ۱۳۹۶: ۱۸۶). در رهیافت معیشت پایدار به خانوارهای فقیر روستایی کمک می‌شود معیشت خود را برپایه نظام موجود بنا کنند و در شرایطی پایدار به زندگی خود تداوم بخشند (Krantz, 2001: 37)؛ در واقع راهبرد معیشت پایدار، راهکاری با هدف توانمندسازی و ظرفیت‌سازی در مناطق روستایی به‌منظور تغییر الگوی زندگی و فعالیت کنونی به الگویی مطلوب و ابزاری مهم برای رسیدن به توسعه پایدار محسوب می‌شود (سجاسی قیداری و همکاران، ۱۳۹۲: ۸۶)؛ بر این اساس رویکرد معیشت پایدار، فقر را به‌مثابه شرایطی ناامن و آسیب‌پذیر مدنظر قرار می‌دهد (Soh and Omar, 2012: 604) و سعی دارد مشکل فقر و آسیب‌پذیری خانوارها را بر محوریت انسان و با افزایش توانایی مردم فقیر برای ایجاد یک زندگی پایدار حل کند (Phillips and Potter, 2003: 3).

از سوی دیگر، برای توسعه روستایی به فعالیت‌ها و رویکردهای جدیدی نیاز است که پایدار و جامع باشند؛ از این رو صاحب‌نظران بر این باورند که توسعه روستایی باید با تنوع‌بخشی بهینه به فعالیت‌های اقتصادی جوامع روستایی ارتقا یابد (Rizov, 2005: 621). در این زمینه، یکی از دیرپاترین فعالیت‌های مؤثر بر معیشت پایدار خانوارهای روستایی و تنوع‌بخش به فعالیت‌های اقتصادی آنها، تولید فرش دست‌باف است. نقش تولیدات این بخش در تنوع‌بخشی به فعالیت‌های معیشتی خانوارهای روستایی شهرستان فسا نیز جالب توجه است؛ زیرا بر اثر سطح پایین فناوری کشاورزی و وقوع مخاطرات طبیعی بسیار (همچون خشکسالی، سرمازدگی و بحران کمبود منابع آب)، اقتصاد روستاییان این شهرستان با چالش‌های جدی مواجه شده است؛ به گونه‌ای که مشکلاتی از قبیل بیکاری و نبود شغل مناسب و درآمد کم گریبان‌گیر ساکنان روستاهای این شهرستان است و این شرایط زمینه مهاجرت گسترده روستاییان را به شهرها تشدید کرده است؛ از این رو برای دستیابی به توسعه پایدار روستایی و جلوگیری از ظهور بی‌تعدالی‌ها، لازم است اقداماتی به‌منظور افزایش درآمد و تنوع‌بخشی به اقتصاد روستایی براساس امکانات و استعدادهای موجود در محدوده پژوهش مدنظر قرار گیرد. در این زمینه حمایت سیاست‌گذاران توسعه روستایی این شهرستان از صنایع دستی روستایی و احیای آنها به‌ویژه صنعت قالی‌بافی با توجه به توانایی ایجاد فرصت‌های شغلی زیاد و درآمدزا به صورت راهکاری برای ریشه‌کن کردن فقر مؤثر واقع می‌شود. بر این اساس در این پژوهش سعی شده است ضمن بررسی وضعیت تولید فرش دست‌باف در روستاهای شهرستان فسا، نقش آن در معیشت پایدار خانوارهای ساکن در روستاها نیز بررسی شود.

پژوهش حاضر برای پاسخگویی به پرسش‌های اساسی زیر طراحی شده است:

۱. تولید فرش دست‌باف چه جایگاهی در معیشت خانوارهای روستایی شهرستان فسا دارد؟

۲. چه ارتباطی بین میزان تولید فرش دست‌باف خانوارهای بررسی‌شده با سطح مطلوبیت معیشت آنها برقرار است؟

پیشینه پژوهش

تاکنون در چهارچوب مطالعات روستایی، پژوهش‌های بسیار متنوعی در زمینه هریک از حوزه‌های معیشت و فرش دست‌باف انجام شده است؛ در ادامه به بعضی از آنها اشاره می‌شود.

لطیفی و همکاران (۱۳۹۳) در پژوهش خود درباره آثار اقتصادی اجتماعی تعاونی‌های فرش دست‌باف روستایی استان همدان به این نتیجه رسیده‌اند که بین قالی‌بافان عضو و غیرعضو تعاونی‌ها به لحاظ میزان تولید، درآمد حاصل از قالی‌بافی، دسترسی به وام و تسهیلات قالی‌بافی، دسترسی به مواد اولیه و ابزار قالی‌بافی، میزان تعامل اجتماعی، میزان آگاهی اجتماعی و دانش و آگاهی تخصصی قالی‌بافی، تفاوت معناداری در سطح یک درصد وجود دارد و در مجموع تعاونی‌های فرش دست‌باف روستایی استان همدان نقش مؤثری در بهبود وضعیت اقتصادی اجتماعی قالی‌بافان این استان داشته‌اند.

همچنین لطیفی و همکاران (۱۳۹۳) با ارزیابی نقش تعاونی‌های فرش دست‌باف روستایی در توانمندسازی زنان قالی‌باف استان همدان دریافتند اختلاف معناداری بین دو گروه قالی‌بافان عضو و غیرعضو تعاونی‌ها به لحاظ توانمندی در ابعاد اقتصادی، اجتماعی، خانوادگی و حرفه‌ای در سطح یک درصد وجود دارد و میزان توانمندی زنان قالی‌باف عضو تعاونی‌ها در ابعاد چهارگانه بیش از زنان قالی‌باف غیرعضو است.

نتایج پژوهش صادق‌زاده و همکاران (۱۳۹۳) در تحلیل پایداری اراضی شهرستان رشت با استفاده از رویکرد معیشت پایدار نشان می‌دهد هیچ‌یک از شش بخش شهرستان رشت در پنج نوع سرمایه فیزیکی، انسانی، اجتماعی، مالی و طبیعی وضعیت خوبی ندارند؛ اما سرمایه فیزیکی در مقایسه با سایر سرمایه‌های معیشتی وضعیت بهتری دارد. شهرکی و شریف‌زاده (۱۳۹۴) براساس پژوهش خود درباره ارزیابی جایگاه آبی‌پروری در معیشت پایدار خانوارهای روستایی شهرستان زاهدان به این نتیجه رسیده‌اند که آبی‌پروری موجب پایداری بیشتر دارایی‌های اجتماعی، انسانی و مالی کشاورزان آبی‌پرور شده است.

خاتون‌آبادی و همکاران (۱۳۹۶) با ارزیابی نقش عضویت در تعاونی‌های فرش دست‌باف در وضعیت اقتصادی اجتماعی اعضا در استان قم دریافتند تعداد فرش تولیدی اعضا با میانگین ۲/۳۰ مترمربع نسبت به غیراعضا با میانگین ۱/۷۷ مترمربع بیشتر و نسبت هزینه به درآمد آنها کمتر است؛ همچنین با استفاده از نتایج آزمون همبستگی، تعاونی‌های فرش دست‌باف نقش مؤثری در حذف واسطه‌ها داشته‌اند.

سجاسی قیداری و همکاران (۱۳۹۷) در بررسی آثار تنوع‌بخشی به اقتصاد روستایی بر معیشت خانوارهای روستایی شهرستان چناران به این نتیجه رسیده‌اند که متغیر وابسته ویژگی اقتصادی با آماره پیرسون ۰/۱۱۹ و ویژگی

اجتماعی با آمارهٔ پیرسون ۰/۲۵۶ با متغیر مستقل (تنوع شغلی) رابطهٔ مستقیم دارد؛ اما براساس نتایج، شدت این ارتباط ضعیف است.

رامچاندانی و کارمارکر (۲۰۱۴) معیشت پایدار روستایی را در مناطق عقب‌ماندهٔ مهاراشترا بررسی کرده‌اند. براساس نتایج این پژوهش، از آنجا که کشاورزی، اصلی‌ترین راه‌آمرار معاش در این مناطق بوده، راه‌حل توسعهٔ معیشت، کنارگذاشتن روش‌های سنتی و بهبود روش کشاورزی و توسعهٔ منابع بیان شده است.

اشمیت و پرسن (۲۰۱۶) با استفاده از پژوهش‌های میدانی در چهار روستای واقع در کشور اتیوپی، چالش‌های مربوط به معیشت محلی را ارزیابی کرده‌اند. براساس نتایج این پژوهش، تضعیف نهادهای بومی و شیوه‌های فرهنگی بدون درک روشنی از تأثیر آنها بر نسل‌های آینده، معیشت ساکنان را در بلندمدت تحت فشار قرار خواهد داد.

کومار و همکاران (۲۰۱۹) در بررسی تغییرات وضعیت اشتغال خانوارهای روستایی ساکن در روستاهای قبیله‌ای شرق هند به این نتیجه رسیده‌اند که با کاهش اشتغال مردان در روستاها، میزان اشتغال زنان افزایش یافته است. نتایج دیگر پژوهش مؤید آن است که با کاهش فرصت‌های اشتغال در بخش کشاورزی، میزان اشتغال هر دو جنس در بخش‌های غیرکشاورزی افزایش یافته و در حال حاضر، اشتغال غیرکشاورزی، مهم‌ترین منبع درآمد خانوارهای روستایی مدنظر است.

ایلی (۲۰۱۹) در بررسی چالش‌های آمرار معاش خانوارهای روستایی در جنوب اتیوپی به این نتیجه رسیده است که با بروز خشکسالی‌ها، معیشت خانوارهای روستایی به دلیل وابستگی آنها به فعالیت کشاورزی با چالش مواجه می‌شود؛ زیرا آنها برای توسعهٔ فعالیت‌های معیشتی غیرکشاورزی به‌منظور کسب درآمدهای جایگزین نیز با چالش‌هایی همچون محدودیت دسترسی به سرمایهٔ اولیه برای راه‌اندازی کسب‌وکار جدید، دانش و مهارت محدود و دسترسی نداشتن به بازارهای فروش برای محصولات تولیدی مواجه هستند؛ از این رو بر رویکرد حمایت از بخش غیرکشاورزی برای پایداری معیشت خانوارهای روستایی تأکید شده است.

مروری بر نتایج پژوهش‌های مرتبط با موضوع این پژوهش مؤید آن است که فعالیت‌های مکمل کشاورزی با تأثیرگذاری بر بخش درآمد و توانمندسازی اقتصادی خانوارها، پشتوانهٔ قابل اعتمادی برای حمایت از خانوارهای روستایی محسوب می‌شود (جدول ۱).

¹ Ramchandani & karmarkar

² Maharashtra

³ Schmidt & Pearson

⁴ Kumar et al.

⁵ Ayele

جدول- ۱: وضعیت متغیرهای پژوهش در نتایج پژوهش‌های داخلی و خارجی

پژوهشگران	سال	وضعیت متغیرهای مدنظر
لطیفی و همکاران	۱۳۹۳	حمایت تعاونی‌های فرش دست‌باف از قالی‌بافان آثار مثبت بر متغیرهای اقتصادی (درآمد حاصل از قالی‌بافی، دستر سی به وام و تسهیلات قالی‌بافی، دستر سی به مواد اولیه و ابزار قالی‌بافی) و اجتماعی (میزان تعامل اجتماعی، میزان آگاهی اجتماعی و دانش و آگاهی تخصصی قالی‌بافی) داشته است.
صادق‌زاده و همکاران	۱۳۹۳	در خانوارهای روستایی بررسی شده، وضعیت سرمایه‌فیزیکی در مقایسه با سایر سرمایه‌های معیشتی (انسانی، اجتماعی، مالی و طبیعی) بهتر بوده است.
شهرکی و شریف‌زاده	۱۳۹۴	آبزی‌پروری آثار مثبت بر دارایی‌های اجتماعی، انسانی و مالی خانوارهای روستایی داشته است.
خاتون‌آبادی و همکاران	۱۳۹۶	حمایت تعاونی‌های فرش دست‌باف موجب کاهش نسبت هزینه به درآمد خانوارهای روستایی و حذف واسطه‌ها شده است.
سجاسی قیداری و همکاران	۱۳۹۷	ارتباط مستقیمی بین ویژگی اقتصادی (متغیر وابسته) و تنوع شغلی (متغیر مستقل) برقرار است.
رام‌چاندانی و کارمارکر	۲۰۱۴	کنارگذاشتن روش‌های سنتی و بهبود روش‌های کشاورزی در بهبود معیشت مؤثر بوده است.
اشمیت و پرسن	۲۰۱۶	تضعیف نهادهای بومی و شیوه‌های فرهنگی، آثار منفی بر معیشت خانوارهای روستایی داشته است.
کومار و همکاران	۲۰۱۹	با کاهش فرصت‌های اشتغال در بخش کشاورزی، میزان اشتغال در بخش‌های غیرکشاورزی افزایش یافته است.
ایلی	۲۰۱۹	حمایت از بخش غیرکشاورزی خانوارهای روستایی در پایداری معیشت آنها مؤثر بوده است.

مبانی نظری پژوهش

مفهوم معیشت پایدار از سال ۱۹۹۰ در پاسخ به نارضایتی نظریه‌های غالباً رو به رشد توسعه گسترش یافته است (Donohue and Biggs, 5555: 222)؛ در واقع رویکرد معیشت پایدار، یکی از رویکردهای تحلیلی جدید در زمینه توسعه روستایی است که به منظور تحقق توسعه پایدار روستایی و کاهش فقر در کانون توجه قرار گرفته است (جمعه‌پور و احمدی، ۱۳۹۰: ۳۳). این رویکرد فقر را فراتر از ناکافی بودن درآمد می‌داند. بر مبنای رویکرد معیشت پایدار، مردم در نواحی در حال پیشرفت و کشورهای جهان سوم، معیشت خود را از میان مجموعه‌ای از دارایی‌ها و سرمایه‌ها شکل می‌دهند که شناخت معیشت آنها با شناخت این چهارچوب امکان‌پذیر خواهد بود (Guillotrea et al., 2222: 888).

همچنین چهارچوب معیشت پایدار، رویکردی مفهومی با هدف بهبود درک ما از معیشت مردم فقیر از راه توجه به پیچیدگی ذاتی فقر، ارزیابی عوامل مختلف، محدودیت‌ها و فرصت‌هاست که در نهایت راهبرد معیشتی مردم در چهارچوب آن شکل می‌گیرد (Donohue and Biggs, 5555: 222)؛ از این رو چهارچوب رویکرد معیشت پایدار به توسعه و کاهش فقر مربوط است که از تغییر دیدگاه در فقر، مشارکت و توسعه پایدار تکامل یافته است (Chilimo and Ngulube, 1111: 000).

بر اساس تعاریف مطرح، معیشت به معنی تفکر درباره دستر سی به دارایی‌ها و مدیریت برای نگهداری آن است (مطیعی لنگرودی و همکاران، ۱۳۹۰: ۷۰). بر اساس تعریف چمبرز و کانوی (۱۹۹۲) نیز یک معیشت از قابلیت‌ها،

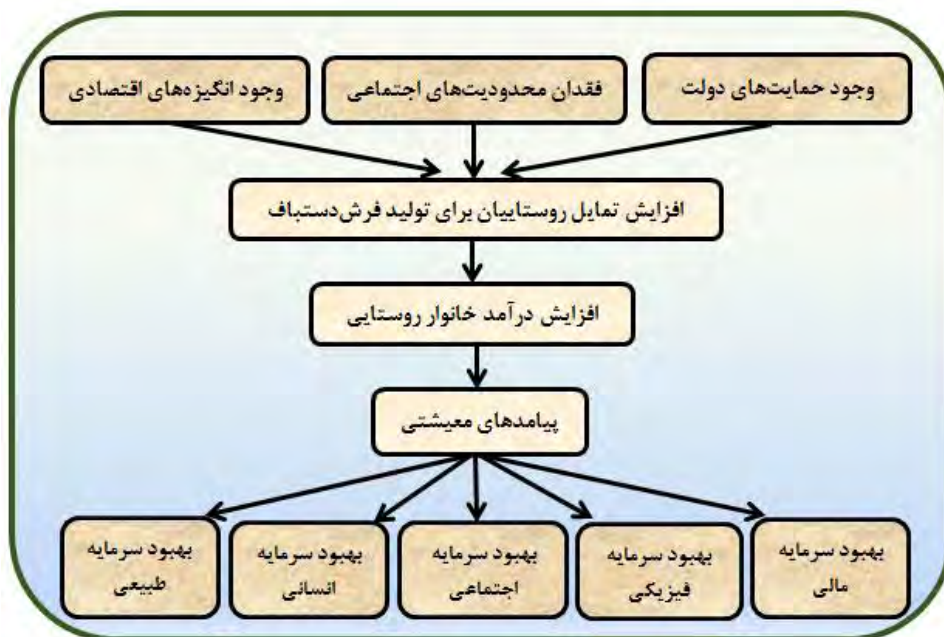
¹ Chambers and Conway

دارایی‌ها (منابع و حق دسترسی به آنها)، فعالیت‌ها (شغل‌ها) و لوازم برای گذران معاش تشکیل شده و هنگامی پایدار است که با فشارها و شوک‌ها سازگار شود و بهبود یابد و قابلیت‌ها و دارایی‌ها را تقویت یا حفظ کند (سجاسی قیداری و همکاران، ۱۳۹۲: ۸۹).

دستیابی به معیشت پایدار نیازمند اتخاذ راهبردهایی در دوره‌های مختلف برنامه‌ریزی با در نظر گرفتن شرایط و موقعیت محیط درونی و بیرونی جوامع روستایی است؛ زیرا معیشت پایدار، فرایندی است که با همکاری متقابل و مشارکتی نهادهای متولی توسعه روستایی و برقراری ارتباط هماهنگ بین اجزای مختلف مؤثر بر معیشت پایدار در بلندمدت امکان‌پذیر است و دستیابی به آن نیازمند انجام برنامه‌ریزی راهبردی و مشخص کردن راهبردهاست (همان، ۹۰).

چهارچوب پنج جزئی دپارتمان توسعه بین‌الملل در سال ۱۹۹۹، یکی از مهم‌ترین رویکردهای معیشت پایدار است و بسیاری عقیده دارند که این چهارچوب مفاهیم اصلی رویکرد معیشت پایدار را به خوبی دربر گرفته است (Shen, SSSS 11)؛ به این ترتیب رویکرد معیشت پایدار بر پایه رویکردی مردم‌محور بر پنج جزء کلیدی تأکید می‌کند؛ این پنج جزء کلیدی شامل دارایی‌های معیشتی (سرمایه‌های طبیعی، فیزیکی، اجتماعی، انسانی و مالی)، ساختارها و فرایندهای تحول‌زا (به‌مثابه سخت‌افزارها و نرم‌افزارهای سیستم)، آسیب‌پذیری‌ها (از قبیل شوک‌ها که بر دارایی‌ها و انتخاب‌های معیشتی قشر فقیر تأثیر منفی دارد)، نتایج (پیامدها) و راهبردهای معیشتی است (جمعه‌پور و احمدی، ۱۳۹۰: ۳۷-۳۸).

با توجه به مبانی نظری و پیشینه پژوهش به نظر می‌رسد گسترش تولید فرش دست‌باف در بین خانوارهای روستایی به‌مثابه یک راهبرد، ضمن ایجاد تنوع معیشتی، دستیابی آنها را به معیشت پایدار آسان خواهد کرد؛ در واقع در صورت وجود حمایت‌های دولت، نبود محدودیت‌های اجتماعی، وجود انگیزه‌های اقتصادی و افزایش تولید فرش دست‌باف در خانوارهای روستایی، سرمایه‌های انسانی، مالی، اجتماعی، فیزیکی و طبیعی آنها متحول خواهد شد و معیشت آنها بهبود خواهد یافت (شکل ۱).



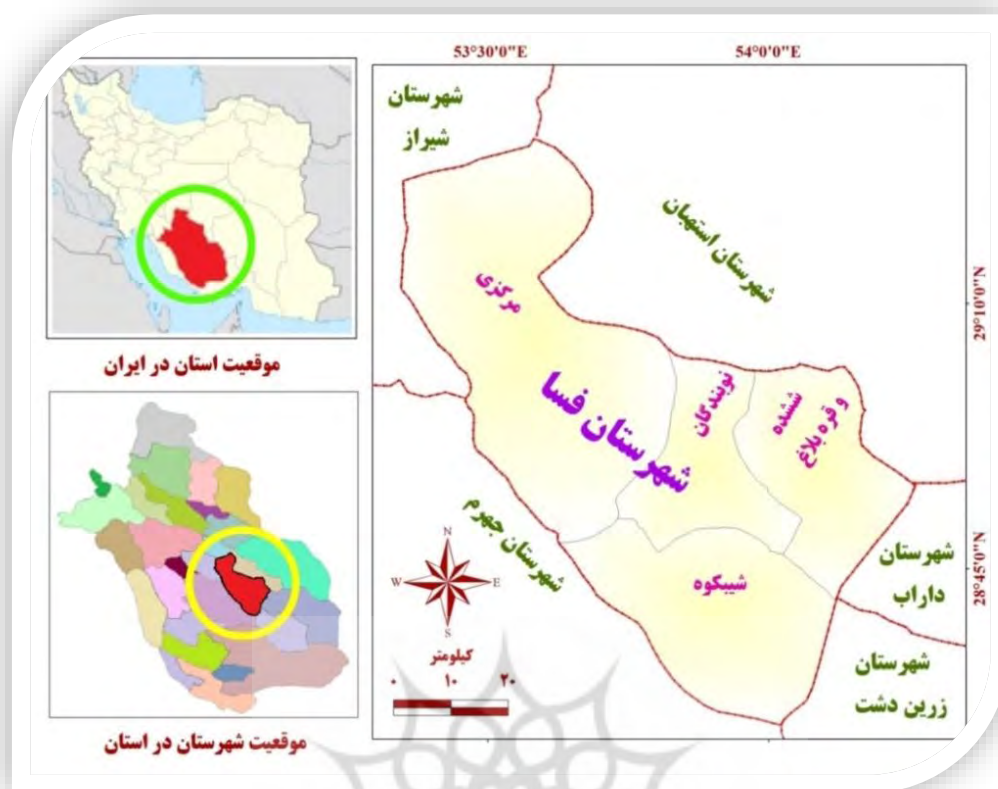
شکل - ۱: مدل مفهومی پژوهش

(منبع: ترسیم براساس مبانی نظری و پیشینه پژوهش، نگارندگان، ۱۳۹۸)

روش‌شناسی پژوهش

معرفی محدوده پژوهش

براساس تقسیمات اداری و سیاسی کشور، شهرستان فسا، یکی از ۱۹ شهرستان واقع در استان فارس محسوب می‌شود که در قسمت میانی این استان واقع شده و شامل چهار بخش «مرکزی»، «ششده و قره‌بلاغ»، «نوبندگان» و «شیب‌کوه» است (شکل ۲). این شهرستان شامل ۸ دهستان شامل ششده، قره‌بلاغ، فدشکویه، میانده، جنگل، صحرارود، کوشک‌قازی، نوبندگان و ۳ نقطه شهری به نام‌های فسا، ششده و زاهدشهر دارد که شهر فسا، مرکز این شهرستان محسوب می‌شود. شهرستان فسا ۲۳۹ روستای دارای سکنه دارد که ۶۷/۷ درصد از کل روستاهای آن در مناطق جلگه‌ای و ۳۲/۳ درصد آنها در مناطق کوهستانی واقع شده‌اند (استانداری فارس، ۱۳۹۷: ۷۳).



شکل - ۲: موقعیت محدوده پژوهش (منبع: ترسیم براساس نقشه تقسیمات سیاسی کشور، ۱۳۹۸)

روش پژوهش

این پژوهش به روش توصیفی تحلیلی انجام و اطلاعات به دو صورت کتابخانه‌ای و میدانی گردآوری شده است. جامعه آماری پژوهش شامل همه خانوارهای قالی‌باف ساکن در روستاهای شهرستان فسا است. در این پژوهش با توجه به نبود هیچ‌گونه اطلاعات قابل اعتماد درباره تعداد کل خانوارهای روستایی دارای فعالیت تولیدی فرش دست‌باف در شهرستان فسا، حداکثر تعداد خانوار نمونه بر مبنای تعداد خانوارهای ساکن در روستاهای مدنظر و با استفاده از فرمول کوکران محاسبه و در نهایت پرسش‌نامه‌های پژوهش بر مبنای حجم نمونه محاسبه شده با کمک خانوارهای فعال در تولید فرش دست‌باف تکمیل شد. در این زمینه برای تعیین خانوارهای نمونه، نخست بر اساس اطلاعات موجود در اداره تعاونی شهرستان فسا، لیستی از روستاهای مطرح در تولید فرش دست‌باف این شهرستان تهیه و با توجه به تعداد ۵۳ روستای مدنظر و روش آماری (رابطه ۱)، تعداد ۱۰۰ روستا به‌مثابه روستای نمونه محاسبه شد. در نهایت روستاهای نمونه به‌طور تصادفی از بین روستاهای مختلف انتخاب شدند.

$$n = \frac{Nt^2s^2}{Nd^2 + t^2s^2} \quad \text{رابطه ۱}$$

$$N = 53$$

$$t = 1/96$$

$$s = 0/21$$

$$d = 0/05$$

$$n = 30$$

در ادامه، با توجه به نامشخص بودن تعداد خانوارهای تولیدکننده فرش دست‌باف، برای محاسبه حداکثر تعداد نمونه (با فرض حداکثر درصد ممکن برای فراوانی خانوارهای روستایی قالی‌باف)، براساس تعداد خانوارهای ساکن در روستاهای مدنظر (۱۱۹۰۵ خانوار) و با استفاده از فرمول کوکران (رابطه ۲)، تعداد خانوارهای نمونه محاسبه شد.

$$n = \frac{\frac{t^2 pq}{d^2}}{1 + \frac{1}{N} \left(\frac{t^2 pq}{d^2} - 1 \right)} \quad \text{رابطه ۲}$$

$$N= 11905 \quad t= 1/96 \quad p= 0/5 \quad == 0/5 \quad d= 0/05 \quad n= 372$$

در مرحله بعد به تناسب فراوانی خانوارهای ساکن در هر روستا، تعداد خانوار نمونه آن روستا تعیین و با روش تصادفی ساده انتخاب و در نهایت پرسش‌نامه‌های خانوار با کمک افراد فعال در تولید فرش دست‌باف خانوارها تکمیل شد؛ بر این اساس، پس از بررسی منابع مرتبط با موضوع پژوهش، بررسی‌های اولیه میدانی و تدوین مبانی نظری، فهرستی جامع از شاخص‌ها و نشانگرهای منطبق با موضوع و متناسب با شرایط روستاهای مدنظر برای بررسی ابعاد اقتصادی و اجتماعی تولید خانوارهای مطالعه‌شده (جدول ۲) و وضعیت معیشت آنها در ابعاد سرمایه‌های انسانی، مالی، اجتماعی، فیزیکی و طبیعی (جدول ۳) تنظیم شد.

جدول- ۲: شاخص‌های مدنظر در بررسی ابعاد اقتصادی و اجتماعی تولید خانوارهای مطالعه‌شده

ابعاد	شاخص‌ها
اقتصادی	میزان درآمد سالیانه خانوار، میزان درآمد سالیانه حاصل از فروش فرش دست‌باف تولیدی خانوار، میانگین تولید سالیانه فرش دست‌باف خانوار، نوع فرش دست‌باف تولیدی خانوار، نحوه تأمین مواد اولیه تولید فرش دست‌باف، دسترسی خانوار به منابع معیشتی سایر بخش‌های اقتصادی (زراعت، باغداری، دامداری، کارگری و...)، نحوه فروش فرش دست‌باف تولیدی، میزان ارتباط خانوار با دلان فرش، نوع ارتباط خانوار با دلان فرش، نقش دستگاههای اجرایی دولت در تولید فرش دست‌باف، دسترسی به وام و تسهیلات قالی‌بافی، تأثیر دلان و واسطه‌های فرش دست‌باف بر میزان درآمد خانوار قالی‌باف
اجتماعی	درصد خانوارهای فعال در تولید فرش دست‌باف، تعداد افراد فعال خانوار در تولید فرش دست‌باف، جایگاه افراد تولیدکننده فرش دست‌باف در خانواده (مادر، دختر، پدر و پسر)، درصد زنان فعال در تولید فرش دست‌باف، میانگین تعداد روزهای فعالیت تولیدی فرش دست‌باف در سال، میانگین تعداد ساعات فعالیت در روز، میزان ارتباط خانوار با تعاونی‌های فرش دست‌باف، نوع ارتباط خانوار با تعاونی‌های فرش دست‌باف، میزان تمایل افراد خانواده به تولید فرش دست‌باف، سطح رضایت خانوار از درآمد حاصل از فروش فرش دست‌باف، تأثیر تولید فرش دست‌باف بر امنیت اقتصادی خانوار

منبع: یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۸

جدول- ۳: شاخص‌های مدنظر در بررسی سطح مطلوبیت معیشت خانوارهای مطالعه‌شده

شاخص‌ها	نوع سرمایه
تعداد افراد دارای توانایی کار، تعداد افراد دارای تجربه و مهارت تولید	انسانی
درآمد سالیانه خانوار، مالکیت مسکن، مالکیت زمین، مالکیت دام، مالکیت ماشین، ثبات شغلی	اقتصادی
دسترسی به اراضی حاصلخیز، دسترسی به منابع آب مورد نیاز برای فعالیت‌های کشاورزی	طبیعی
سطح امنیت اجتماعی روستا، سطح مشارکت مردمی، انسجام اجتماعی در سطح روستا، سطح رضایت از زندگی در روستا	اجتماعی
کیفیت مسکن، دسترسی به زیرساخت‌های اساسی (آب، برق، گاز، تلفن و اینترنت)، دسترسی به ابزار و ماشین‌آلات کشاورزی، دسترسی به خدمات بهداشتی و آموزشی، دسترسی به راه‌های ارتباطی مناسب	فیزیکی

منبع: یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۸

برای آزمون روایی پرسش‌نامه از روایی صوری و محتوایی استفاده شد؛ به طوری که برمبنای تکنیک دلفی، پرسش‌نامه در اختیار صاحب‌نظران و کارشناسان قرار گرفت و پس از چند بار بازبینی به تأیید نهایی رسید. پایایی پرسش‌نامه پژوهش نیز به روش آلفای کرونباخ محاسبه شد. این ضریب از عمومی‌ترین ضرایبی است که پژوهشگران علوم اجتماعی برای سنجش پایایی ابزارهای مختلف گردآوری داده‌ها از آن استفاده می‌کنند (عنا‌بستانی و همکاران، ۱۳۹۰: ۷۹)؛ بر این اساس، مقدار ضریب آلفای کرونباخ در متغیرهای مربوط به وضعیت تولید خانوارهای بررسی‌شده، بیش از ۰/۸۶۹ و در متغیرهای مربوط به وضعیت معیشت آنها نیز، بیش از ۰/۷۵۳ محاسبه شد؛ در نتیجه اجزای درونی مقیاس با یکدیگر همبستگی دارند و پایایی پرسش‌نامه تأیید شده است.

از سوی دیگر، برای تجزیه و تحلیل داده‌ها، از روش‌های آمار توصیفی، روش‌های آمار استنباطی، روش تحلیل فضایی و نرم‌افزارهای Expert Choice، SPSS و ArcGIS استفاده شده است. در این زمینه برای تعیین سطح مطلوبیت معیشت خانوارهای مدنظر، بر اساس فرایند تحلیل سلسله‌مراتبی (AHP)، مراحل مختلفی شامل تشکیل ماتریس ارزیابی، تعیین وزن شاخص‌های مرتبط (در محیط Expert Choice) و نیز استاندارد کردن داده‌ها مورد توجه بوده است؛ همچنین تحلیل فضایی و نمایش وضعیت تولید روستاهای بررسی‌شده و سطح مطلوبیت معیشت خانوارهای ساکن در آنها با طراحی نقشه از راه نرم‌افزار ArcGIS انجام شده است.

یافته‌های پژوهش

بر اساس ویژگی‌های پاسخگویان پرسش‌نامه‌ها، صددرصد پاسخگویان را زنان ساکن در روستاهای بررسی‌شده تشکیل می‌دهند که این امر با توجه به موضوع پژوهش و نقش زنان در این صنعت، امری طبیعی محسوب می‌شود؛ همچنین بیشترین فراوانی سنی پاسخگویان به گروه سنی کمتر از ۳۵ سال مربوط است که در مجموع ۴۰/۹ درصد از پاسخگویان را در برمی‌گیرند؛ از سوی دیگر، ۵۶/۱ درصد از پاسخگویان، متأهل و ۴۳/۹ درصد مجرد بوده‌اند. بیشترین فراوانی پاسخگویان از نظر سطح تحصیلات به تحصیلات ابتدایی (معادل ۵۷/۷ درصد) و کمترین فراوانی به تحصیلات فوق دیپلم یا بالاتر (معادل ۳/۸ درصد) مربوط است؛ بنابراین نتایج اولیه پژوهش نشان می‌دهد بیشتر افرادی که به شغل قالی‌بافی گرایش یافته‌اند، از نظر تحصیلات در سطوح پایین تحصیلی هستند.

براساس یافته‌های پژوهش، فرش‌های تولیدی خانوارهای روستایی فسا عمدتاً در قالب ذرع‌ونیم (حدود یک‌ونیم مترمربع)، سه‌متری، پرده‌ای، شش‌متری، نه‌متری و تابلوفرش با نقش‌ونگارهای منحصر‌به‌فرد و زیبا تولید و به بازار عرضه می‌شود که بخشی از آنها در سبک تجاری و بخش دیگری از آنها برای مصارف داخلی تولید می‌شود. بازار این محصولات طی سال‌های اخیر به دلیل تحریم‌های غرب و در نتیجه کاهش صادرات و از سوی دیگر، افزایش ارزش دلار و در نتیجه افزایش قیمت فرش‌های تولیدی و در نهایت افزایش تمایل و اشتیاق خانوارهای تولیدکننده، بافت‌وخیزهای گوناگونی همراه بوده است.

یافته‌های دیگر پژوهش حاکی است در ۴۵/۴ درصد از خانوارهای بررسی شده، مادر تنها عضو فعال خانواده در تولید فرش دست‌باف است؛ همچنین در ۱/۱ درصد از خانوارها، تمامی اعضای خانواده (مادر، دختر، پدر و پسر) در تولید فرش دست‌باف سهیم هستند (جدول ۴).

جدول- ۴: فراوانی خانوارهای بررسی شده به تفکیک افراد فعال خانواده در تولید فرش دست‌باف

ردیف	افراد فعال خانوار	فراوانی	درصد
۱	مادر	۱۶۹	۴۵/۴
۲	دختر	۱۱۷	۳۱/۴
۳	مادر و دختر	۴۹	۱۳/۲
۴	مادر و پدر	۳۳	۸/۹
۵	مادر، دختر، پدر و پسر	۴	۱/۱
۶	جمع کل	۳۷۲	۱۰۰

منبع: یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۸

همچنین نتایج پژوهش در بررسی نوع فعالیت‌های معیشتی بیشتر خانوارهای بررسی شده حاکی است ۱۰/۲ درصد از این خانوارها صرفاً از راه قالی‌بافی امرار معاش می‌کنند و در ۱۶/۴ درصد از خانوارها نیز قالی‌بافی به همراه دامداری، معیشت غالب خانواده را تشکیل می‌دهد (جدول ۵).

جدول- ۵: نوع فعالیت معیشتی غالب خانوارهای فعال در تولید فرش دست‌باف

ردیف	فعالیت معیشتی	فراوانی	درصد
۱	قالی‌بافی	۳۸	۱۰/۲
۲	قالی‌بافی - زراعت	۲۴	۶/۵
۳	قالی‌بافی - باغداری	۳	۰/۵
۴	قالی‌بافی - دامداری	۶۱	۱۶/۴
۵	قالی‌بافی - دامداری - زراعت	۲۵	۶/۷
۶	قالی‌بافی - کارگر کشاورزی	۲۳	۶/۲
۷	قالی‌بافی - شغل آزاد	۱۹۸	۵۳
۸	جمع کل	۳۷۲	۱۰۰

منبع: یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۸

یافته‌های دیگر پژوهش حاکی است در ۶۹/۹ درصد از خانوارها، تولید فرش به صورت دستمزدی بافی انجام می‌شود. پاسخگویان علت آن را نداشتن توان مالی برای خرید مواد اولیه و مشکلات خانوارهای روستایی برای دسترسی به بازار فروش فرش‌های تولیدی خود بیان کرده‌اند (جدول ۶).

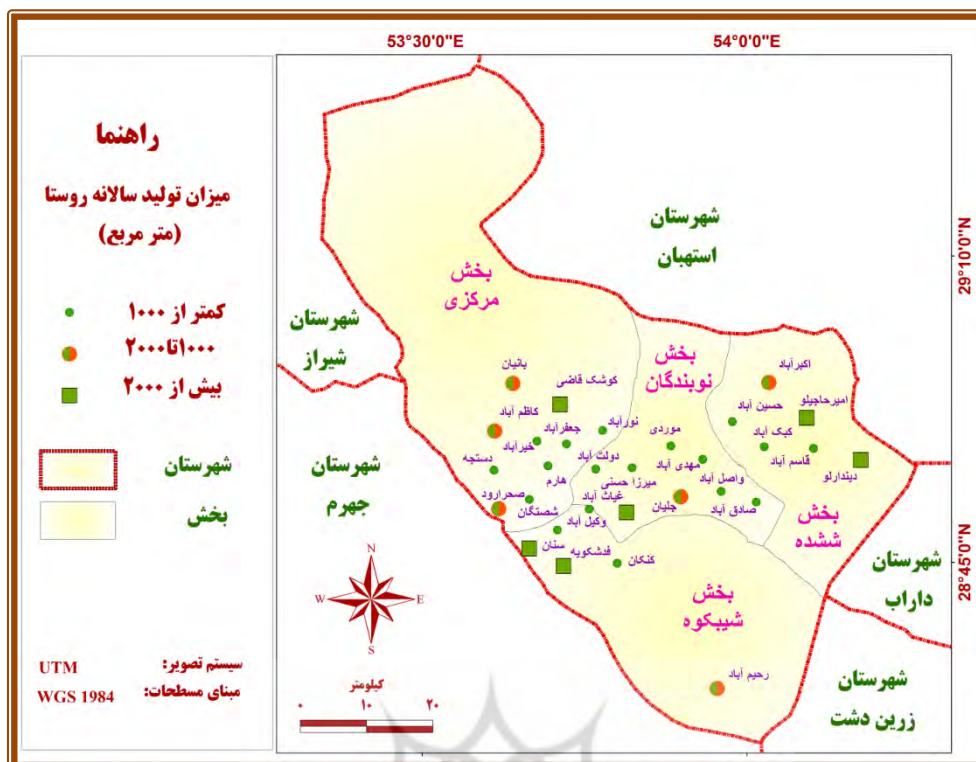
جدول- ۶: چگونگی توزیع فراوانی بافندگان فرش دست‌باف از نظر نوع پشته‌توانی تولیدی

ردیف	الگوی تولید	فراوانی	درصد
۱	دستمزدی بافی (با دخالت دلال)	۲۶۰	۶۹/۹
۲	تعاونی فرش	۳۴	۹/۱
۳	صنف فرش‌فروشان	۵۳	۱۴/۳
۴	کمپنه امداد	۲۰	۵/۴
۵	جهاد کشاورزی	۳	۰/۸
۶	خودمصرفی	۲	۰/۵
۷	جمع کل	۳۷۲	۱۰۰

منبع: یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۸

یافته‌های دیگر پژوهش مؤید آن است که از بین روستاهای بررسی شده، روستاهای کوشک‌قازی، رحیم‌آباد و دیندارلو با داشتن بیش از ۶۰ درصد خانوار فعال در تولید فرش دست‌باف و روستاهای قاسم‌آباد، خیرآباد و کیل‌آباد با داشتن کمتر از ۲۰ درصد خانوار فعال در تولید فرش دست‌باف، به ترتیب بیشترین و کمترین درصد خانوارهای فعال در تولید فرش دست‌باف را به خود اختصاص می‌دهند؛ همچنین برآورد میانگین تولید سالیانه فرش دست‌باف در روستاهای بررسی شده بیان‌کننده آن است که خانوارهای ساکن در روستای رحیم‌آباد با میانگین حدود ۱۸ مترمربع و خانوارهای ساکن در روستاهای نورآباد و دستجه با میانگین حدود ۵ مترمربع، به ترتیب بیشترین و کمترین میانگین تولید سالیانه خانوارهای فعال در تولید فرش دست‌باف را دارند.

از سوی دیگر، براساس برآورد میزان تولید سالیانه خانوارهای قالی‌باف ساکن در روستاهای مدنظر، روستاهای کوشک‌قازی و امیرحاجیلو با تولید سالیانه حدود ۴۵۰۰ مترمربع و روستاهای نورآباد و شصتگان با تولید سالیانه کمتر از ۱۰۰۰ مترمربع، به ترتیب بیشترین و کمترین میزان تولید سالیانه فرش دست‌باف را در بین روستاهای مدنظر به خود اختصاص می‌دهند. چگونگی پراکنش روستاها از نظر میزان تولید سالیانه فرش دست‌باف نشان می‌دهد روستاهای دارای تولید سالیانه زیاد، بدون نظم خاصی در بین سایر روستاهای بررسی شده واقع شده‌اند (شکل ۳)



شکل - ۳: پراکنش روستاهای بررسی شده به تفکیک میزان تولید سالیانه فرش دست‌باف در آنها (ترسیم: نگارندگان، ۱۳۹۸)

همچنین نتایج حاصل از بررسی وضعیت شاخص‌های مربوط به سرمایه‌های مختلف مالی، انسانی، اجتماعی، طبیعی و فیزیکی خانوارها حاکی است دسترسی نداشتن به درآمد کافی و اراضی حاصلخیز و منابع آب کافی برای کشاورزی، از مشکلات اساسی در بیشتر خانوارها محسوب می‌شود (جدول ۷). در این زمینه، براساس یافته‌های پژوهش، بیشترین فراوانی خانوارهای قالی‌باف از نظر میزان کل درآمد سالیانه خانوار بدون احتساب مبلغ یارانه دریافتی (و در خانوارهای زیر پوشش کمیته امداد، بدون محاسبه کمک‌های نقدی کمیته امداد) مربوط به گروه درآمدی زیر دو میلیون تومان (شامل ۴۱/۹ درصد از خانوارها) و کمترین فراوانی مربوط به درآمد چهار میلیون تومان به بالا (معادل ۷/۲ درصد آنها) است.

از سوی دیگر، برای تعیین اهمیت نسبی عوامل مؤثر بر مطلوبیت معیشت خانوارها، مقایسه زوجی شاخص‌های مدنظر در نرم‌افزارهای Expert Choice انجام شده است. براساس نتایج به دست آمده، «میزان درآمد خانوار» با وزن ۰/۲۷۶، دسترسی به زیرساخت‌های اساسی (آب، برق، گاز، تلفن و اینترنت) با وزن ۰/۱۳۱ و «مالکیت مسکن و زمین» به ترتیب با وزن‌های ۰/۰۸۸ و ۰/۰۸۲، بیشترین درجه اهمیت را کسب کرده‌اند (شکل ۴).

جدول - ۷: وضعیت شاخص‌های مدنظر در بررسی سرمایه‌های مختلف مالی، انسانی، اجتماعی، طبیعی و فیزیکی خانوارها

ضریب تغییرات	میانگین	درصد فراوانی					شاخص‌ها
		خیلی زیاد	زیاد	متوسط	کم	خیلی کم	
۰/۴۸۰	۲/۰۳	۱/۱	۶/۲	۲۴/۴	۳۲/۲	۳۶/۱	میزان درآمد ^۱
۰/۳۲۸	۱/۸۴	۰	۱/۱	۲۰/۰	۴۱/۱	۳۷/۸	دسترسی به اراضی حاصلخیز
۰/۴۱۶	۲/۲۱	۱/۹	۲/۷	۳۶/۷	۳۳/۰	۲۵/۷	دسترسی به منابع آب مورد نیاز کشاورزی
۰/۱۷۶	۲/۶۶	۰/۶	۷/۶	۵۲/۲	۳۶/۷	۲/۸	دسترسی به زیرساخت‌های اساسی
۰/۴۵۱	۲/۰۰	۰	۶/۷	۲۰/۶	۳۹/۴	۳۳/۳	دسترسی به خدمات بهداشتی و آموزشی
۰/۲۱	۳/۸۴	۲۵/۲	۲۹/۲	۲۶/۵	۷/۳	۱۱/۸	دسترسی به راه‌های ارتباطی مناسب
۰/۱۹۶	۱/۱۲	۰/۶	۰/۶	۰/۶	۷/۱	۹۱/۱	سطح مشارکت مردمی
۰/۲۰۹	۲/۷۲	۰	۳/۳	۶۸/۳	۲۵/۶	۲/۸	امکان اشتغال برای بیکاران فصلی روستا
۰/۲۹	۳/۰۹	۵/۰	۲۸/۶	۴۲/۰	۲۰/۱	۴/۴	امکان اشتغال برای زنان در تولید فرش دست‌باف

منبع: یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۸



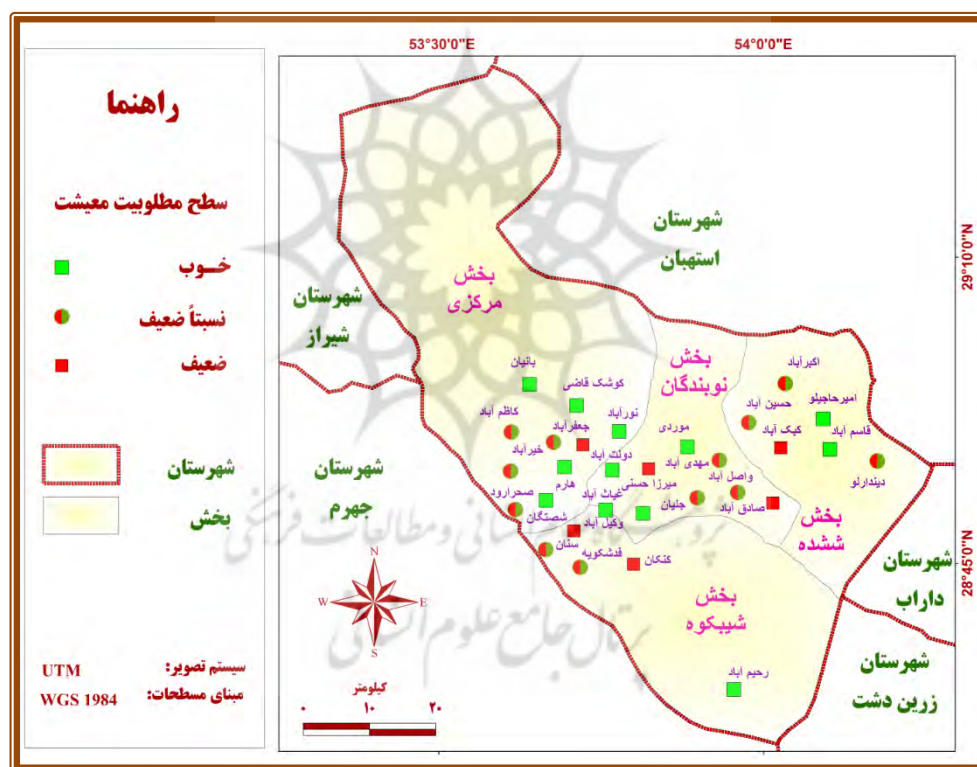
شکل - ۴: وزن‌های حاصل از مقایسه زوجی عوامل مؤثر بر سطح مطلوبیت معیشت خانوار

(منبع: یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۸)

^۱ بدون احتساب یارانه نقدی دریافتی و کمک‌های نقدی کمیته امداد

همچنین براساس درجه اهمیت شاخص‌های مدنظر در مطلوبیت معیشت و وضعیت شاخص‌ها در خانوارها، میانگین مطلوبیت معیشت در سطح روستاها محاسبه و در نهایت طبقه‌بندی روستاها و نمایش چگونگی پراکنش روستاها به تفکیک سطح مطلوبیت معیشت خانوارهای ساکن در آنها انجام شد. نتایج پژوهش مؤید آن است که ۲۱ روستا از ۳۰ روستای بررسی شده از نظر میانگین مطلوبیت معیشت خانوار در سطح ضعیف یا نسبتاً ضعیف هستند. بررسی چگونگی پراکنش روستاهای مدنظر به تفکیک سطح مطلوبیت معیشت خانوارهای ساکن در آنها حاکی است روستاهای دارای شرایط مناسب، بدون نظم خاصی در بین سایر روستاها پراکنده‌اند (شکل ۵).

با توجه به نتایج پژوهش، مهارت بافت فرش در روستاهایی که از نظر مطلوبیت معیشت در سطح متوسط یا ضعیف‌اند، همچون گذشته به روش سنتی است. در این روستاها، خانوارها عمدتاً زمین و دام کافی ندارند، غالباً مساکنی با بافت قدیمی و فرسوده و فاصله بیشتری تا مرکز شهر و تعاونی فرش و انجمن صنف فرش‌بافان دارند و از امکانات و خدماتی همچون دسترسی به وام و کلاس آموزشی بی‌بهره‌اند.



شکل - ۵: پراکنش روستاهای بررسی شده به تفکیک سطح مطلوبیت معیشت خانوارهای ساکن در آنها (ترسیم: نگارندگان، ۱۳۹۸)

نتایج آزمون کندال در بررسی ارتباط بین میزان تولید فرش دست‌باف با سطح مطلوبیت معیشت خانوارها نشان می‌دهد این دو متغیر با ضریب همبستگی $-0/106$ ، با یکدیگر در ارتباطند (جدول ۸)؛ در واقع با توجه به نتایج آزمون، ارتباط ضعیف، معکوس و معناداری در سطح اطمینان ۹۵ درصد بین آنها برقرار است.

جدول- ۸: نتیجه آزمون همبستگی کندال در بررسی ارتباط بین میزان تولید فرش دست‌باف و سطح مطلوبیت معیشت

خانوارها

مقادیر	موارد
$-0/106$	ضریب همبستگی
$0/043$	سطح معناداری (Sig.)
۳۷۲	تعداد خانوار (N)

منبع: یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۸

نتیجه‌گیری و پیشنهادها

صنعت فرش دست‌باف به علت داشتن پیوند دیرینه با مناطق روستایی کشور، باید به‌منابۀ جزئی از اقتصاد غیرزرعی روستایی در قالب رویکرد معیشتی در کانون توجه قرار گیرد. این رویکرد، توسعه روستایی را در ارتقای پنج دارایی معیشتی دنبال می‌کند و با تأکید بر پنج سرمایه انسانی، اجتماعی، طبیعی، فیزیکی و مالی، دیدگاهی فراتر از نگاه اقتصادی درباره توسعه روستایی ارائه می‌دهد.

پژوهش حاضر که با هدف تحلیل وضعیت تولید فرش دست‌باف در روستاهای شهرستان فسا و نقش آن در معیشت پایدار خانوارهای روستایی این شهرستان انجام شده، در نوع خود در مقایسه با پژوهش‌های مشابه درباره فرش دست‌باف و معیشت جالب توجه است؛ زیرا برخلاف وجود پژوهش‌های متعدد در هریک از حوزه‌های بیان‌شده، در پژوهش حاضر، این دو مقوله در پیوند با یکدیگر در قالب تحلیل آثار تولید این صنعت بر معیشت خانوارهای روستایی مدنظر قرار گرفته‌اند.

بر اساس نتایج به دست آمده، روستاهای کوشک قاضی و امیرحاجیلو بیشترین میزان تولید را در بین روستاهای مدنظر دارند. این امر با توجه به پیشینه تاریخی تولید فرش دست‌باف در این روستاها قابل درک است. در این روستاها از گذشته‌های دور تا به حال به دلیل کم‌رنگ بودن فعالیت‌های کشاورزی و وابستگی شدید معیشت خانوارها به این صنعت، ارتباط دیرینه آنان با دلالتان فرش و دسترسی به مواد اولیه قالی‌بافی از راه واسطه‌ها، دوری از شهر و کم‌آبر بودن شیوه و سبک زندگی شهرنشینی و نیز سطح تحصیلات پایین دختران، تولید فرش دست‌باف از جایگاه ویژه‌ای برخوردار بوده است؛ در حالی که روستاهایی همچون شصتگان، وکیل آباد و قاسم‌آباد به علت ارتباط ضعیف خانوارهای ساکن در آنها با تعاونی‌های فرش دست‌باف، دسترسی نداشتن به مواد اولیه قالی‌بافی و نیز حضور و نقش نداشتن کارشناسان و مشاوران تعاونی‌های فرش دست‌باف در مراحل مختلف تولید، از نظر تولید فرش

¹ Kendall's tau-b

² Correlation Coefficient

دست‌باف در پایین‌ترین سطح فعالیت‌اند که این وضعیت با نظریه مرکز-پیرامون جان فریدمن توجیه‌پذیر خواهد بود؛ همچنین خانوارهای ساکن در روستای خیرآباد به علت متأثر شدن شدید زندگی‌شان از شیوه زندگی شهرنشینی و روی آوردن مردم به مشاغل دیگر (از جمله شغل اداری یا کارمندی) و بالارفتن سطح تحصیلات دختران و گرایش نداشتن آنان به قالی‌بافی، کمترین میزان تولید را دارند.

از سوی دیگر، با توجه به نتایج آزمون کندال و ارتباط ضعیف، معکوس و معنادار بین میزان تولید فرش دست‌باف و سطح مطلوبیت معیشت خانوارها و مقایسه آن با آمارهای توصیفی پژوهش، در حال حاضر تولید فرش دست‌باف در محدوده پژوهش عمدتاً در خانوارهایی مطرح است که از نظر میزان درآمد، جزو قشرهای ضعیف جامعه‌اند و قالی‌بافی را تنها راه پیش رو یا فعالیتی مازاد برای امرار معاش خانواده خود می‌دانند.

با توجه به اینکه براساس نتایج پژوهش حاضر، توسعه قالی‌بافی (متغیر مستقل پژوهش) موجب افزایش درآمد و بهبود معیشت خانوارهای تنگ‌دست و کم‌بضاعت ساکن در روستاهای مدنظر می‌شود، نتایج این پژوهش از نظر آثار فعالیت‌های تولیدی فرش دست‌باف در قالب آثار مثبت تنوع‌بخشی به فعالیت‌های مکمل کشاورزی بر درآمد و معیشت خانوار روستایی، با نتایج پژوهش شهرکی و شریف‌زاده (۱۳۹۴)، سجاسی قیداری و همکاران (۱۳۹۷) و ایلی (۲۰۱۹) همسوست.

براساس نتایج پژوهش، پیشنهادهای زیر به منظور افزایش هرچه بیشتر نقش تولید فرش دست‌باف در بهبود معیشت خانوارهای روستایی این شهرستان ارائه می‌شود:

- با توجه به تعداد زیاد خانوارهای دارای فعالیت تولیدی فرش دست‌باف در روستاهای بررسی شده (جدول ۴) و با عنایت به وجود رابطه منفی بین میزان تولید فرش دست‌باف و سطح مطلوبیت معیشت خانوارها (جدول ۸) و گرایش بیشتر قشرهای تنگ‌دست و محروم جامعه روستایی به تولید فرش دست‌باف به مثابه یک فعالیت مکمل برای امنیت اقتصادی و استمرار بقای خانوار، اعطای تسهیلات مناسب از سوی صندوق‌های تعاون و نظام بانکی کشور و ضمانت خرید تعاونی‌ها برای فرش‌های بافته شده به منظور حمایت از اینگونه قشرهای ضعیف ضرورتی انکارناپذیر خواهد بود.

- با توجه به سودجویی بیش از حد واسطه‌ها و دلالتان فرش دست‌باف، کاهش آثار مثبت تولید فرش دست‌باف در معیشت خانوارهای روستایی و نارضایتی خانوارهای قالی‌باف از شیوه کار دلالتان فرش دست‌باف و استمرار ارتباط با آنها از سر ناچاری (به دلیل نبود شبکه تهیه و توزیع مواد اولیه و خرید فرش دست‌باف)، موضع انفعالی دستگاه‌های اجرایی دولت، رویکرد پذیرفته‌ای در برابر چالش‌های موجود نیست؛ بنابراین اتخاذ تدابیر مناسب برای شکل‌گیری شبکه تهیه و توزیع مواد اولیه و خرید فرش دست‌باف، کنارزدن واسطه‌ها و خرید بی‌واسطه محصول از راه‌نهادهایی مانند شرکت‌های تعاونی و صنف فرش‌بافان و دسترسی بافندگان فرش دست‌باف به مواد اولیه با قیمت مناسب و ایجاد شرایط لازم برای افزایش تولید و کسب درآمد بیشتر الزامی است.

- براساس جمع‌بندی نظرات بافندگان فرش دست‌باف در پاسخ به پرسش‌های باز این پژوهش، با عنایت به اینکه تحریم‌های اخیر ایران موجب کاهش صادرات فرش‌های دست‌باف تولیدی خانوارهای روستایی و درنهایت کاهش توان معیشتی خانوارهای فعال در تولید فرش دست‌باف شده است، از مسئولان و دولتمردان کشور به‌مثابه هدایت‌کنندگان ملت در مسیر درست و دوراندیشانه انتظار می‌رود به معیشت بافندگان فرش دست‌باف توجه کنند و با مدیریت کارآمد و اقدامات متناسب، شرایط را به سمتی سوق دهند که آنها از مواهب صادرات فرش دست‌باف بهره‌مند شوند.

منابع

- ۱- استانداری فارس، (۱۳۹۷)، **سالنامه آماری استان فارس**، معاونت برنامه‌ریزی و اشتغال استانداری فارس، شیراز، ۱۷۳ ص.
- ۲- جمعه‌پور، محمود، احمدی، شکوفه، (۱۳۹۰)، **تأثیر گردشگری بر معیشت پایدار روستایی؛ مطالعه موردی: روستای برغان، شهرستان ساوجبلاغ**، پژوهش‌های روستایی، دوره ۲، شماره ۱، تهران، ۳۳-۶۳.
- ۳- خاتون‌آبادی، احمد، نوروزی، مصطفی، عطایی، مریم، میرمحمدصادقی، جواد، (۱۳۹۶)، **ارزیابی نقش عضویت در تعاونی‌های فرش دست‌باف روستایی در وضعیت اقتصادی اجتماعی اعضا؛ مطالعه موردی: استان قم**، پژوهش‌های اقتصاد و توسعه کشاورزی، جلد ۳۱، شماره ۲، مشهد، ۱۲۱-۱۳۵.
- ۴- رومیانی، احمد، سجاسی قیداری، حمدالله، شایان، حمید، سنایی مقدم، سروش، (۱۳۹۶)، **تحلیل نیازمندی‌های روستاییان برای دستیابی به معیشت پایدار؛ مطالعه موردی: بخش سرفاریاب- شهرستان چرام**، پژوهش و برنامه‌ریزی روستایی، سال ۶، شماره ۲۰، مشهد، ۱۸۳-۲۰۳.
- ۵- سجاسی قیداری، حمدالله، صادقلو، طاهره، پالوج، مجتبی، (۱۳۹۲)، **اولویت‌بندی راهبردهای توسعه معیشت پایدار روستایی با مدل ترکیبی سوات- تاپسیس- فازی؛ مطالعه موردی: شهرستان خدابنده**، فصلنامه روستا و توسعه، سال ۱۶، شماره ۲، تهران، ۸۵-۱۱۰.
- ۶- سجاسی قیداری، حمدالله، خوب، شادی، حسینی کهنوج، رضا، (۱۳۹۷)، **اثرات تنوع‌بخشی اقتصادی روستایی بر تاب‌آوری معیشت روستاییان در دهستان رادکان شهرستان چناران**، فصلنامه اقتصاد فضا و توسعه روستایی، سال ۷، شماره پیاپی ۲۴، تهران، ۴۱-۷۰.

- ۷- شهرکی، محبوبه، شریف‌زاده، مریم، (۱۳۹۴)، ارزیابی جایگاه آبی‌پروری در معیشت پایدار روستایی کشاورزان شهرستان زاهدان، پژوهش‌های روستایی، دوره ۶، شماره ۱، تهران، ۹۷-۱۱۶.
- ۸- صادق‌زاده، مینا، الله‌یاری، محمدصادق، انصاری، محمدحسین، نژادرضایی، نیما، (۱۳۹۳)، تحلیل پایداری اراضی شالیکاری شهرستان رشت با استفاده از رویکرد معیشت پایدار، تحقیقات اقتصاد کشاورزی، دوره ۶، شماره ۴، مردشت، ۵۵-۷۰.
- ۹- عنابستانی، علی‌اکبر، شایان، حمید، احمدزاده، سحر، (۱۳۹۰)، برآورد میزان تأثیرپذیری مشارکت زنان از سرمایه اجتماعی در نواحی روستایی؛ مطالعه موردی: دهستان درزآب- شهرستان مشهد، مجله تحقیقات کاربردی علوم جغرافیایی، دوره ۱۸، شماره ۲۱، تهران، ۶۹-۹۰.
- ۱۰- فدایی، عبدالمجید، زاهدی، محمدرضا، (۱۳۸۵)، مقایسه وضعیت شاخص‌های سلامت در یک روستای پایلوت طرح نیازهای اساسی توسعه (BDN) استان چهارمحال و بختیاری، مجله دانشگاه علوم پزشکی شهرکرد، سال ۸، شماره ۱، شهرکرد، ۱۳-۱۹.
- ۱۱- لطیفی، سمیه، سعدی، حشمت‌الله، شعبانعلی فمی، حسین، (۱۳۹۳)، ارزیابی نقش تعاونی فرش دست‌باف روستایی در توانمندسازی زنان قالی‌باف؛ مطالعه موردی: استان همدان، جغرافیا و توسعه، دوره ۱۲، شماره ۳۷، زاهدان، ۱۱۹-۱۳۲.
- ۱۲- لطیفی، سمیه، سعدی، حشمت‌الله، شعبانعلی فمی، حسین، مشرف، سید محسن، (۱۳۹۳)، تحلیل اثرات اقتصادی اجتماعی تعاونی‌های فرش دست‌باف روستایی استان همدان، نشریه تحقیقات کاربردی علوم جغرافیایی، دوره ۱۴، شماره ۳۲، تهران، ۱۱۷-۱۳۹.
- ۱۳- مطیعی لنگرودی، سید حسن، قدیری معصوم، مجتبی، رضوانی، محمدرضا، نظری، عبدالحمید، (۱۳۹۰)، تأثیر بازگشت مهاجران به روستاها در بهبود معیشت ساکنان؛ مطالعه موردی: شهرستان آق‌قلا، پژوهش‌های جغرافیای انسانی، دوره ۴۳، شماره ۷۸، تهران، ۶۷-۸۳.
- ۱۴- مهدوی، مسعود، شمس‌الدینی، علی، (۱۳۹۲)، تحلیلی بر نقش توانمندی‌های محیطی در توسعه پایدار نواحی روستایی؛ مورد مطالعه: بخش مرکزی شهرستان رستم، جغرافیایی سرزمین، دوره ۱۰، شماره ۳۹، تهران، ۲۱-۳۸.

- 15- Ayele, D.G., (2019). **Challenges to Rural Livelihoods: A Case Study of Chichu, Gedeo, Southern Ethiopia**, Journal of Rural and Community Development, 14 (2), Brandon University, 107- 123.
- 16- Chilimo, W., Ngulube, P., (2011). **Role of information and communication technologies in sustainable livelihoods in selected rural areas of Tanzania**, African Journal of Library, Archives & Information Science, 21 (2), Nigeria, 145- 157.
- 17- Donohue, C., Biggs, E., (2015). **Monitoring scio-enviromental change for sustainable development: Developing a Multidimensional Livelihoods Index (MLI)**, Applied Geography, No 62, Netherlands, 391- 403.
- 18- Guillotrea, P., Campling, L., Robinson, J., (2012). **ulnerability of Small Island Fishery Econimies to Climate and Institutional Changes**, Current Opinion in Environmental Sustainability, No. 4, Netherlands, 287- 291.
- 19- Krantz, L., (2001). **The Sustainable Livelihood Approach to Poverty Reduction: An Introduction, Division of Policy and Socio Economic Analysis Swedish International Development Agency (SIDA)**, Stockholm, Sweden, 115 p.
- 20- Kumar, A., Singh, R.K.P., Kumar, P., Singh, K.M., Kumar, U., Mishra, J.S., (2019). **Rural labour employment and livelihoods in tribal villages of eastern India**, Indian Journal of Agricultural Sciences, 89 (3), India, 426- 432.
- 21- Ramchandani, R., karmarkar, P., (2014). **Sustainable rural livelihood security in the backward Districts of Maharashtra**, Procedia-Social and Behavioral Sciences, No. 133, United Kingdom, 265- 278.
- 22- Rizov, M., (2005). **Rural development under the European CAP: the role of diversity**, The Social Science Journal, 42 (4), Kuwait, 621- 628.
- 23- Schmidt, M., Pearson, O., (2016), **Pastoral livelihoods under pressure: Ecological, political and socioeconomic transitions in After (Ethiopia)**, Journal of Arid Environments, No. 124, United States, 22- 30.
- 24- Shen, F., (2009). **Tourism and Sustainable Livelihoods Approach: Application with in the Chinese context**, Ph.D. thesis, Lincoln University in Oakland, California, United States, 273 p.
- 25- Soh, M.B.C., Omar, S.K.A., (2012). **Small is big: The charms of indigenous knowledge for sustainable livelihood**, Procedia-Social and Behavioral Sciences, No. 36, United Kingdom, 602- 610.
- 26- Phillips, J.L., Potter, R.B., (2003), **Social Dynamics of Foreign-Born and Young Returning Nationals to the Caribbean: A Review of the Literature**, Geographical Paper, No. 167, University of Reading, England, 1- 21.